

چه خبر از بازیگران محبوب فیلم و سریال‌های قدیمی؟

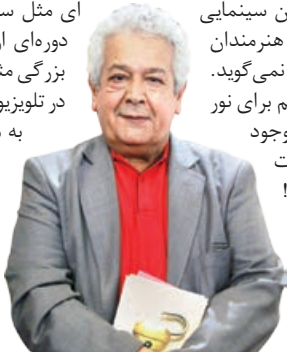
یادی از بازیگران فراموش شده

مهین ساعدی- مادر همیشه نگران سریال «در پناه تو»، آقای جمالی مجموعه «قصه‌های تابه‌تا»، «آقا کمال» مهربان و شیرین سریال «همسران» یا مادر خانم حساس و سختگیر مجموعه طنز «پاورچین»، الان کجا هستند؟ چرا مدت‌هاست چهره و تصویرشان را بر پرده سینما و صفحه تلویزیون نمی‌بینیم؟ از بازیگرانی که هیچ‌وقت تبدیل به ستاره نشدند اما به واسطه استعداد و تلاش و حضور صادقانه، توانستند سال‌های سال، محبوب دل مردم کشورمان باشند و هنوز که هنوز است دلمان برای نقش‌های ماندگارشان تنگ می‌شود، خبری دارید؟ بازیگری جزو حرفه‌هایی است که امنیت شغلی چندانی ندارد، از حقوق و مزایای بازی نشستگی بی‌بهره است و بازیگر تا زمانی که چهره، فیزیک و توان ایفای نقش داشته باشد، از او دعوت به کار می‌شود و می‌تواند دستمزد دریافت کند و شاید همه این دلایل، باعث شده تعداد زیادی از بازیگران مان که دوره اوج خود را پشت سر گذاشته‌اند، با محدود شدن دایره پیشنهادات و انتخاب‌هایشان، در بیکاری و فراموشی و گاهی بیماری، غرق شوند. پرونده امروز زندگی‌سلام، یادی است از همین چهره‌های محبوب دنیای سینما و تلویزیون که مدت‌هاست خبری از آن‌ها نیست؛ چرا که ما زندگی‌سلامی‌ها معتقدیم بهترین مرهم، محبت و قدردانی است و این یادآوری، تنها کاری است که از دستان برمی‌آید برای بازیگرانی که بخشی از بهترین خاطرات کودکی و نوجوانی و جوانی‌مان را مدیون نقش‌آفرینی‌های باورپذیرشان در آثار تصویری هستیم.



■ ماسیاهی لشکر مراسم هستیم

بازیگر سریال «روزگار قریب» اضافه می‌کند: «باز من بین هم سن و سال‌هایم، پُرکار تر ولی آدم از تلویزیون و سینما چیزهایی می‌بیند که دلش می‌شکند. هر چند به‌تازگی در دو فیلم «ترگس مست» کار «سید جلال الدین ذری» و «کار کثیف» به کارگردانی «خسرو معصومی» ایفای نقش کرده ام اما به شکل کلی به این نتیجه رسیده‌ام که بی‌خیال شوم و انتخاب کردم که بیشتر وقتم را در کتاب فروشی‌ام بگذرانم. منتها مشکلات بازیگران را غیر از صنف‌شان، چه کسی باید حل کند؟ ما انجمن سینمایی ایران از داریم که جز مرگ پادی از هنرمندان نمی‌کند، حتی تولدمان را تبریک نمی‌گوید. هم مراسم افتتاحیه و اختتامیه هم برای نور چشمی‌هاست و امثال بنده به‌خاطر وجود سیه‌های لشکر در برنامه‌ها دعوت می‌شویم، بدون ذره‌ای حمایت! این انجمن سینمایی است که باید فهرست کارگردانان و فیلم‌سازان اولیه فیلم‌سازی آشنا نیست، کلی انرژی گذاشته‌ام و هم از بازیگران قدیمی‌هاست.



گفت‌وگو با رضا فیاضی، بازیگر سینما و تلویزیون که این روزها به کتاب فروشی رو آورده است

بازیگران پر حاشیه مثل سحر قریشی جای هنرمندان بزرگ را گرفته‌اند

رضا فیاضی را با «دنیای شیرین» و قبل‌تر از آن، با «قصه‌های تابه‌تا» به یاد می‌آوریم. سریال‌هایی که توانست در میان کوچک و بزرگ خانواده محبوب شود و بازیگرانش را حسابی معروف کند. بعد از آن فیاضی در آثار نوجوان‌پسند زیادی ظاهر شد و به حق، به محبوبیت فراوانی دست‌یافت. «همشاکر دی‌ها»، «هتل»، «ماجرای خانواده تمدن»، «باغچه مینو»، «روزگار قریب»، «تبریز در مه» و همین‌طور «کلاه پهلوی»، از مشهورترین آثار او به عنوان بازیگر است. آخرین تصویری که از فیاضی ۶۴ ساله در تلویزیون دیدیم، تله فیلم «یوسف هور» محصول سال ۱۳۹۱ بود. البته «کلاه پهلوی» هم که به تازگی پخش شد سال‌ها قبل ساخته شده است. با او به واسطه کم‌رنگ شدنش در تلویزیون و دلایل این اتفاق برای او و برخی هم‌صنفانش گفت‌وگو کردیم که خواندنی و قابل‌تأمل است.

بهزاد جوانبخش؛ افسول یک قهرمان



یکی از فیلم‌هایی که اوایل دهه ۶۰ حسابی ترکاند و سرو صدا کرد، فیلمی بود با نام «مشت» که بازیگر اصلی‌اش بهزاد جوانبخش بود. این فیلم در آن سال تماشاگران زیادی را به سالن‌های سینما کشاند و بازیگر نقش اولش را بیش از پیش مطرح کرد؛ بازیگری که انگار قرار بود در سینمای بعد از انقلاب، جای خالی «ایرج قادری» را روی پرده پُر کند. اتفاقاً سبک و سیاق بازی و حتی دوبله صدایش نزدیک به «ایرج قادری» بود و موجب شد این کارگردان، یکی از نقش‌های اصلی فیلم معروف «تاراج» را به جوانبخش بدهد. او بعدها در «نابخشوده» و «پنجه در خاک» هم برای قادری بازی کرد و در دهه ۶۰ هم، در چند فیلم تجاری، ایفاگر نقش اول بود. بهزاد جوانبخش که این روزها ۷۰ سال دارد، سال‌های جوانی بر ورزش‌های بوکس و سوارکاری مسلط بوده و در زمینه نویسندگی و تهیه‌کنندگی هم فعالیت داشت. جوانبخش که در دوران فعالیت حرفه‌ای‌اش در ۱۴ فیلم سینمایی ایفای نقش کرده و عمده شهرتش را مدیون آثارش در دهه ۷۰ است، آخرین نقش‌آفرینی‌اش برمی‌گردد به فیلم «سربازهای جمعه» محصول ۱۳۸۲ ساخته «مسعود کیمیایی». جوانبخش هم مثل هر بازیگر کهنه‌کاری روی استحکام و چفت و بست فیلم‌نامه‌ها حساسیت ویژه‌ای دارد و در کنار همه دلایل، این را یکی از علت‌های کم‌رنگ شدنش در سینمای سال‌های اخیر اعلام می‌کند.



آریتا لاجینی؛ بازیگری با سرگذشتی عجیب!



لاچینی ۸۰ ساله که شاید بیش از هر نقشی، او را با نقش «خانم افشار»، مادر مریم افشار در سریال «در پناه تو» به یاد می‌آوریم، وقتی ۲۱ ساله بود کار گویندگی و اجرای نمایش‌های رادیویی را آغاز کرد و در سال ۱۳۴۰ اولین نقش آفرینی خود در تئاتر را تجربه کرد. او هنگامی که نوجوان بود، ازدواج کرد ولی همسرش پس از مدتی در گذشت. حاصل این ازدواج یک دختر و یک پسر بود که پسرش در دو سالگی فوت می‌کند. سپس در ۱۸ سالگی دوباره ازدواج می‌کند و از این ازدواج، صاحب ۵ فرزند می‌شود اما همسر دومش هم از دنیا می‌رود و در نهایت با فیروز بهجت‌محمدی، هنرپیشه تئاتر و تلویزیون و سینما ازدواج می‌کند و این شروع ورودش به دنیای تصویر است. لاجینی در ۲۲ فیلم سینمایی نقش‌آفرینی کرده و دهه ۷۰، اوج شهرت و فعالیت هنری‌اش بود. او که آخرین حضورش به سال ۱۳۹۰ و سریال ستایش برمی‌گردد، آثاری مثل «روزی روزگاری»، «پدر سالار» و «مدرسه مادر بزرگ‌ها» از ماندگارترین کارهای هنری‌اش است. لاجینی در مصاحبه‌ای درباره کم‌رنگ شدنش گفته است: «سال‌هاست که سرکار نمی‌روم. هر چند وقت یک‌بار فیلم‌نامه‌ای برایم می‌فرستند ولی چون نمی‌پسندم، جواب منفی می‌دهم. راستش را بخواهید زیاد نمی‌توانم سر صحنه بمانم. انرژی قدیم را ندارم اما دوبله را دوست دارم. گهگاه برای دوبله دعوت می‌شوم. کار دوبله در کنار همکارانم انرژی‌ام را زیاد می‌کند و روحیه می‌گیرم.»



محمد شیری؛ اخموی دوست‌داشتنی



آن‌ها که مخاطب برنامه‌های تلویزیون ایران در دهه ۶۰ بودند، برنامه‌های ترکیبی که شامل ایتیم‌های نمایشی با بازی «محمد شیری» و تم طنز بود را خوب به یاد دارند: سیمای اقتصاد ما، روستای کارآباد و بانک‌داری، از جمله این آثار بودند که با نقش‌آفرینی شیری و شیرینی ذاتی‌اش، دیدنی می‌شد. منتها محمد شیری عمده شهرتش در میان نسل جوان را مدیون ایفای نقش «رئیس کلانتری» در سریال جایزه بزرگ و نقش «خان» در مجموعه تلویزیونی شب‌های برره، هر دو به کارگردانی مهران مدیری است. از دیگر سریال‌های محبوب این بازیگر می‌توان به «ساختمان پزشکان»، «قهر و آشتی»، «چارخونه» و... اشاره کرد. شیری که این روزها ۶۸ ساله است و تجربه بازی در بیش از ۵۰ اثر سینمایی و تلویزیونی را در کارنامه دارد، در مصاحبه‌ای درباره کم‌رنگ شدنش گفته است: «وقتی مردم در کوچه و خیابان سوال می‌کنند چرا کار نمی‌کنی، نمی‌دانم جواب‌شان را چه بدهم. هر چند متأسفانه پیشنهاد خوبی هم مطرح نمی‌شود و صرفاً در انجمن خانه سینما فعالیت دارم. از نظر من اگر بازیگر کار نکند، این بیکاری برایش مرگ تدریجی است، فیلم‌نامه‌ها فقط برای جوانان نوشته می‌شود و نویسنده‌ها داستانی برای امثال ما نمی‌نویسند». او همچنین در برنامه «خندوانه» به کم‌کاری خود اشاره کرد و گفت: «من نه مریضم، نه معتاد و نه بیماری با مشکل خاصی دارم. نمی‌دانم چرا پیشنهادی برای بازی در هیچ اثری به من داده نمی‌شود.»



جهانبخش سلطانی؛ لہجہ اصفهانی و نگاه‌های گزنده



بازیگر ۶۶ ساله‌ای که با بازی در آثاری ماندگار مثل «قصه‌های مجید»، «مردان آنجلس»، «افق» و... در خاطرات مانده، از سال ۱۳۹۱ در هیچ پروژه سینمایی بازی نکرده و آخرین حضورش بر صفحه تلویزیون هم، برمی‌گردد به سریال «یوسف پیامبر(ع)» محصول سال ۱۳۸۸. سلطانی، ناظم سختگیر سریال «قصه‌های مجید» که گاهی با بدجنسی، مجید طفلکی می‌چزاند، به‌خاطر بازی در فیلم «شرم» برنده سیمرخ بلورین بهترین بازیگر نقش دوم مرد از جشنواره فیلم فجر سال ۱۳۷۱ شد. او که از جمله بازیگرانی است که خیلی وقت‌است به دست فراموشی سپرده شده، بسیار خانواده دوست است و در همه مراسم عمومی به همراه همسرش حضور پیدا می‌کند. سلطانی هر چند مدت‌هاست به عنوان بازیگر در سینما حضور ندارد اما به عنوان مخاطب جشنواره‌های سینمایی، به‌خصوص جشنواره کودک و نوجوان که در شهرش، اصفهان برگزار می‌شود، حضور دارد. او که در طول فعالیت حرفه‌ای‌اش در ۳۹ فیلم سینمایی حضور داشته، عمده شهرتش را مدیون فیلم خارل‌ه‌انگیز «مهریه بی‌بی» است که در دهه ۷۰ اکران شد. سلطانی در آخرین مصاحبه‌اش که در برنامه هفت و توسط محمدکبرلو انجام شد، درباره آثارش، خودش و فضای فیلم سازی ایران گفته است: «بازیگر زمانی می‌تواند در این عرصه فعال و ماندگار باشد که بازی وی بر اساس ایمان و اخلاق و کسب دانش و فضیلت باشد. برای نمونه، من هشت ماه سخت را برای بازی در حماسه مجنون ساخته جمال شورجه تحمل کردم اما با تمام مشکلاتی که وجود داشت، چون یاد می‌گرفتم، لذت بخش بود.»



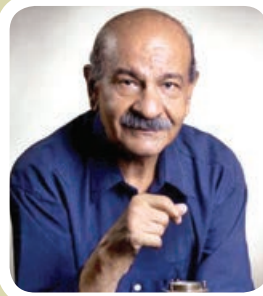
هایده حائری؛ شمایل زن مدرن و متمول



تعداد و تنوع آثاری که هایده حائری در طول ۳۰ سال فعالیت حرفه‌ای‌اش در آن‌ها نقش‌آفرینی کرده، آنقدر زیاد است که آدم می‌ماند از کدام اسم ببرد: فیلم‌های «پرواز پنجم ژوئن»، «هامون»، «برخورود»، «روانی» و مجموعه‌های تلویزیونی: «گرگ‌ها»، «به سوی افتخار»، «پلیس جوان»، «مرگ تدریجی یک رویا» و... منتها پررنگ‌ترین تصویری که از او در ذهنمان مانده، نقش زنی مدرن و متمول با شال خر و انگشترهای درشت است! این هنرمند ۶۱ ساله که مدت‌هاست از او خبر و تصویری نشنیدیم و ندیدیم، زمانی که ۴۶ ساله بود به بیماری سرطان مبتلا شد اما با آن مبارزه کرد و سرطان را شکست داد. آخرین نقش آفرینی حائری برمی‌گردد به سال ۹۰ و یکی از اپیزودهای مجموعه «شاید برای شما هم اتفاق بیفتد» و آخرین حضور عمومی‌اش، مربوط می‌شود به داور سابقه «ستاره بیست»، برنامه‌ای برای کشف استعداد بازیگری جوانان. او در گفت‌وگویی درباره دلایل کم‌رنگ شدنش گفته: «این روزها مشغول کار جدیدی نیستم و هرچه است از کارهای قبلی ما باقی مانده که ظاهر در نبود آثار قابل‌پخش، دوباره پخش می‌شود، از جمله سریال‌هایی مانند «پاورچین»، زمانی که ما فعالیت می‌کردیم مدام در تلاش بودیم خودمان را از شور و هیجان‌ها به گوشه‌ای ببریم و تنها با فعالیت‌هایمان، خود را نشان دهیم اما در شرایط فعلی انگار هرچقدر یک نفر شلوغ‌تر باشد و در فضای مجازی سر و صدای بیشتری به پا کند، طرفدار و نقش بیشتری دارد. کاش می‌توانستم خبر از کارهای جدیدی بدهم که قرار است در آن‌ها به ایفای نقش بپردازم اما دل خوش سیری چند؟»



فردوس کاویانی؛ چهره تکیده یک خوش‌اخلاق شیرین



خیلی‌ها او را با بازی شیرین و «مهین» گفتشتن در مجموعه خاطره‌انگیز «همسران» که حوالی سال ۱۳۷۳ از شبکه دو سیمای پخش می‌شد شناختند اما کاویانی حضور در دنیای بازیگری را با تئاتر از سال ۱۳۴۰ و در سینما از سال ۱۳۵۱ با نقش‌آفرینی در فیلمی به کارگردانی «حمید مصداقی» شروع کرده و در ادامه، در ۲۹ فیلم سینمایی حضور داشته است. از معروف‌ترین آثار فردوس کاویانی، می‌توان به فیلم‌های «شهرقصه»، «آجاره‌نشین‌ها»، «بانو»، «میکس»، «سگ کشی» و مجموعه محبوب «آژانس دوستی» اشاره کرد. آخرین فیلمی که به حضور او ساخته شده، «ساکن خانه چوبی» محصول سال ۱۳۹۱ است و سال‌هاست خبری از بازی و لحن شیرینش بر پرده سینما و صفحه تلویزیون نیست. کاویانی در مصاحبه‌ای درباره علت کم‌کاری و حضور کم‌رنگش در سال‌های اخیر گفته است: «این روزها همه چیز به هزار و یک دلیل عوض شده. مثلاً سریال ۱۳ قسمتی را که به طور معمول هفت ماه فیلم برداری نیاز دارد، طرف دو ماه می‌سازند که فشار زیادی بر بازیگر وارد می‌شود و او را فرسوده می‌کند. حتی فرصتی برای مسلط شدن روی دیالوگ‌ها نیست، چه برسد به خلاقیت در بازی! خود من در چنین سریال‌هایی بازی کردم و انرژی زیادی از دست دادم. یکی از دلایلی که در سال‌های اخیر هیچ کاری را نپذیرفتم‌ام، همین است». آخرین بازی که کاویانی با چهره‌ای رنجور در جمعی عمومی ظاهر شد، ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۶ در جشن بازیگران تئاتر بود و گفته می‌شود وضعیت جسمانی خوبی ندارد و بخشی از حافظه‌اش را از دست داده است.

